

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهل و پنجم ۱۹/۱۰/۹۶

لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۴۴) - آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (۱۳)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

بحث در رابطه با اصول و مبادی فکری احمد ابن حنبل بود، ما چند موردی را مطرح کردیم. از جمله در بحث اختلافات صحابه که باید از آنها عدول کنیم و اینها را باید از بین ببریم در حد توان، آن مطالبی که باید گفته بشود عرض شد یکی از مطالبی که خیلی ضرورت دارد ما اطلاع داشته باشیم و غالباً هم مطرح نمی شود این مطلب است:

«افضلية خلفاء الأربعة بحسب تسلسلهم في تسلم الخلافة»

یکی از خیانت‌های بزرگی که در حق امیر المؤمنین سلام الله علیه شد همین است اینها در یک قالب تشکیل چنین مطرح می کنند که افضلیت خلفاء به حسب تصدی خلافت است.

«وأن أفضل الناس بعد رسول الله أبو بكر وعمر وعثمان وعلي عليهم السلام»

ابوبکر، عمر، عثمان و بعد علی ابن ابیطالب.

الكتاب اللطيف لشرح مذاهب أهل السنة ومعرفة شرائع الدين والتمسك بالسنن ، ج ١، ص ٢٥١، اسم المؤلف:
أبو حفص عمر بن أحمد بن شاهين الوفاة: ٣٨٥ هـ ، دار النشر : مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة المنورة /
السعودية - ١٤١٦هـ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الله بن محمد البصري

چون صحابه از فضائل همدیگر آگاه بودند و اگر می دانستند عمر افضل از ابوبکر است اول عمر را انتخاب
می کردند، اگر عثمان از ابوبکر و عمر افضل بود او را انتخاب می کردند، اگر علی افضل از ابوبکر و عمر و عثمان
بود او را انتخاب می کردند. این تفکر تقریباً زبانزد کلّ اهل سنت است.

از همان دوران کودکی، بچه های شان را به این شکل تربیت می کنند یعنی این اساس تفکر اهل سنت است ما
کاری با وهابی ها نداریم. آن ها بی عقل هستند.

در کتاب اصول اهل السنة لإمام اهل السنة احمد ابن حنبل ٢٧ - ٢٨ مورد اصول اهل سنت را می شمارد و
می گوید این ها اصول اهل سنت است و بیستین موردش این است:

«وخیر هذه الأمة بعد نبیها، أبو بكر الصدیق ثم عمر بن الخطاب ثم عثمان بن عفان نقدم هؤلاء الثلاثة كما قدمهم
أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم لم يختلفوا في ذلك»

أصول السنة، ج ١، ص ٣٥ و ٣٦، اسم المؤلف: أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني الوفاة: ٩٩٩٩ ، دار
النشر : دار المنار - الخرج - السعودية - ١٤١١هـ ، الطبعة : الأولى

-این مطلب را دقت کنید-

«لم يختلفوا في ذلك ثم بعد هؤلاء الثلاثة أصحاب الشورى الخمسة علي بن أبي طالب والزبير وعبدالرحمن بن
عوف وسعد وطلحة كلهم للخلافة وكلهم إمام ونذهب في ذلك إلى حديث ابن عمر كنا نعد ورسول الله صلى الله
عليه وسلم حي وأصحابه متوافرون»

پیغمبر صلی الله علیه وآله در حال حیات بود همه صحابه بودند این طوری می گفتیم:

«أبو بكر ثم عمر ثم عثمان ثم نسكت ثم من بعد أصحاب الشورى أهل بدر...»

این را داشته باشید. من که اینها را می گویم باور کنید تمام جگرم آتش می گیرد، مثل این می ماند که آدم را وسط آتش بیاندازند تمام بدن آدم از شعله های آتش زجر بکشد این حالت را پیدا می کنم.

در روایت دیگری داریم:

«الخلافة في أمتي ثلاثون سنة»

السنة، ج ۲، ص ۵۶۴، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني الوفاة: ۲۸۷، دار النشر: المكتب

الإسلامي - بيروت - ۱۴۰۰، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني

«قال فحسبنا»

شمردیم

«فوجدنا أبا بكر وعمر وعثمان وعلي رضي الله عنهم قال فقل له «

به احمد ابن حنبل گفتند:

« إن عليًا لا يعد من الخلفاء»

-دقت کنید-

«فقال يا بني الزرقاء فهو أبعد»

دودمان بنی‌امیه این‌چنین کرده‌اند و این عقیده از واقعیت به دور است محققش هم می‌گوید حدیث صحیح است.

کتاب السنة برای عبدالله پسر احمد ابن حنبل است، شما کلمه‌ی حدیث سفینه را زیاد می‌شنوید من دیدم بعضی آقایان حدیث سفینه را در خلافت می‌گویند پیغمبر فرمود:

«مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح»

همه آقایان آن طرف می‌روند.

ولی سفینه اسم یکی از صحابه بود آن علتی هم که پیغمبر او را به سفینه تعبیر کرد مفصل است.

«سمعت أبي رحمه الله يقول السنة في التفضيل الذي نذهب إليه ما روي عن ابن عمر رضي الله عنه يقول أبو بكر ثم عمر ثم عثمان و أما الخلافة فنذهب إلى حدیث سفینه فنقول أبو بكر وعمر وعثمان وعلي في الخلفاء فنستعمل الحديثين جميعا»

السنة ، ج ۲، ص ۵۹۰، اسم المؤلف: عبد الله بن أحمد بن حنبل الشيباني الوفاة: ۲۹۰ ، دار النشر: دار ابن القيم -

الدمام - ۱۴۰۶ ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: د. محمد سعيد سالم القحطاني

دو تا حدیث را با هم جمع می‌کنیم در افضلیت آن سه تا هستند. علی، هم سطح عبدالرحمان ابن عوف و سعد ابن ابی وقاص و این‌ها هست ولی در خلافت نه.

«ولا نعيب من ربّع بعلي»

ما عیب نمی‌دانیم مذمت نمی‌کنیم کسی که قائل به «رَبِّعِ بَعْلِي» است یعنی چه؟ یعنی کسی که علی را خلیفه چهارم حساب می‌کند. «من رَبِّعِ بَعْلِي» یعنی «عَدَّ عَلِيَا رَابِعَ الْخُلَفَاءِ» ما کسانی که علی را خلیفه چهارم می‌دانند مذمت نمی‌کنیم. چرا؟

«لقرابتة وصهره و إسلامه القديم وعدله»

به خاطر این ما می‌گوییم خلیفه چهارم باشد هیچ اشکالی ندارد.

پرسش:

استاد این را چه کسی می‌گوید؟

پاسخ:

این را احمد ابن حنبل می‌گوید.

«سَأَلْتُ أَبِي عَنِ التَّفْضِيلِ بَيْنَ ... وَعَلِي الرَّابِعِ مِنَ الْخُلَفَاءِ قُلْتُ لِأَبِي أَنْ قَوْمًا يَقُولُونَ أَنَّهُ لَيْسَ بِخَلِيفَةٍ»

در جامعه کسانی هستند که می‌گویند علی علیه السلام اصلاً خلیفه نیست

«قال هذا قول سوء رديء وقال أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم يقولون له يا أمير المؤمنين افنكذبهم»

اصحاب پیغمبر به علی یا امیر المؤمنین می‌گفتند ما بگوییم این‌ها دروغ می‌گویند؟!!

«وقد حج بالناس وقطع ورجم»

علی ابن ابیطالب کاروان حج راه انداخت که از شئون خلیفه است و دست سارق را قطع کرد زانی را رجم کرد.

« فيكون هذا الا خلیفة»

غير از خليفه، كسى مى‌تواند چنين كارى بكند؟

بعد بحث ديگرى را در حديث ۱۴۰۳ مطرح مى‌كند و مى‌گويد:

«أن علياً لا يعد من الخلفاء»

اصلاً على جزء خلفاء نيست

السنة ، ج ۲، ص ۵۹۱، اسم المؤلف: عبد الله بن أحمد بن حنبل الشيباني الوفاة: ۲۹۰ ، دار النشر : دار ابن القيم -

الدمام - ۱۴۰۶ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد سعيد سالم القحطاني

« فقال يا بني فلان فهم ابعده من ذلك »

اين هاى كه چنين نظرى دارند نظرشان خيلى دور از واقعيت است.

در پاورقى هم مى‌گويد:

«إسناده حسن»

در مجموع فتاوى ابن تيميه عباراتى وجود دارد و اين حديث مشهور است:

«من لم يربع بعلى رضى الله عنه في الخلافة فهو أضل من حمار أهله»

هر كس على را خليفه چهارم نداند از الاغ طويله‌اش گمراه‌تر است.

كتب و رسائل و فتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية، ج ۳۵، ص ۱۹ اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني

أبو العباس الوفاة: ۷۲۸ ، دار النشر : مكتبة ابن تيمية ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : عبد الرحمن بن محمد بن

قاسم العاصمي النجدي

مجموع فتاوی ۳ تا چاپ دارد هر چاپش هم با دیگری فرق دارد این چاپی است که به دستور خادم الحرمین یا خائن الحرمین شریفین، ملک فهد چاپ شده است.

در صفحه ۱۹ این کتاب بحث مفصلی علیه شیعه دارد و می‌گوید:

«حتى قال أحمد من لم يربع بعلي في الخلافة فهو أضل من حمار أهله»

هر کس علی را در خلافت خلیفه چهارم نداند از الاغ طویله‌اش گمراه‌تر است

«ونهی عن مناكحته»

اگر کسی علی را خلیفه چهارم نداند ازدواج با او جایز نیست.

یعنی خارج از دایره اسلام است که ازدواج با اهل کتاب جایز نیست.

« وهو متفق عليه بين الفقهاء وعلماء السنة وأهل المعرفة والتصوف وهو مذهب العامة»

پرسش:

معاویه این‌ها را چطوری توجیه می‌کند؟

پاسخ:

آن‌ها می‌گویند معاویه، بعد از علی است معاویه را در زمان علی خلیفه نمی‌دانند.

پرسش:

معاویه، علی را خلیفه نمی‌داند لذا با او می‌جنگند! این چطوری است؟

پاسخ:

طلحه و زبیر هم خلیفه نمی‌دانند، اگر خلیفه می‌دانستند نمی‌جنگیدند در مناظره‌ایی که بین امیر المؤمنین علیه السلام و طلحه و زبیر در جنگ جمل اتفاق افتاد حضرت فرمود چرا با من می‌جنگید؟ گفتند ما از تو افضل هستیم صلاحیت ما برای خلافت بیش از تو است.

به قول علامه امینی رضوان الله تعالی علیه توجه کنید که گفته بود ای کاش خدای عالم از اول تا آخر دنیا به من عمر می‌داد تا بنشینم برای مظلومیت امیر المؤمنین علیه السلام اشک بریزم. در این زمینه حرف و درد زیاد است.

پرسش:

این حرف شمشیر دو لبه است هرکس علی را چهارم نداند یعنی شیعه است.

پاسخ:

ما افضل و جلوتر می‌دانیم، یعنی کسی که اول می‌داند قطعاً و به طریق اولی از چهارمی دانستن نظرش بالاتر است قاعده اولویت این‌جا مطرح است.

این مطلب را شما داشته باشید که این آقایان از قول احمد ابن حنبل و... حدیث سفینه و حدیث عبدالله ابن عمر را مطرح می‌کنند.

مناقب امام احمد ابن حنبل مال ابن جوزی بزرگ است نه سبط جوزی، از عبدالله ابن احمد ابن حنبل نقل می‌کند:

«حدث أبي بحدیث سفينة»

ابن الجوزي الحنبلي، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفای ۵۹۷ هـ)، مناقب امام

احمد، ص ۲۱۹

-معمولاً این‌جا در مورد حدیث سفینه دچار اشتباه می‌شوند، من دیدم یکی از عزیزان مقاله‌ای در یکی از مجلات مشهور حوزوی نوشته بود و در سه، چهار تا کتاب هم دیدم، بعضی از مستبصرین هم توجه ندارند می‌گویند مراد از حدیث سفینه

«مثل اهل بیتی کسفینه نوح»

است-

«فقلت يا أبت ما تقول في التفضيل قال في الخلافة أبو بكر وعمر وعثمان فقلت وعلي بن أبي طالب»

...علی پس چه کسی است؟

«قال يا بني! علي بن أبي طالب من أهل بيت لا يقاس بهم أحد»

این روایت را هیچ کس نمی‌آورد در کنار آن قضایا قرار بدهد، که نظر واقعی احمد ابن حنبل در رابطه با امیر المؤمنین چیست؟

من بارها گفتم شاید امیر المؤمنین سلام الله علیه به احمد بن حنبل بخاطر مطرح کردن بحث تربیع، که خدمتی به آن حضرت بود، عنایتی داشته باشد. یعنی تا سال ۲۳۰ یا ۲۴۰، علی ابن ابیطالب نه تنها جزء خلفاء نیست بلکه سب و لعن او در قنوت نماز و جاهای دیگر از سنت است!

وقتی عمر ابن عبدالعزیز می‌گوید علی را سب نکنید مردم از گوشه و کنار مسجد فریاد می‌زنند:

«قد ترکت السنه، قد ترکت السنه»

تو داری سنت پیغمبر را ترک می‌کنی.

عزیزان این را دقت کنید، ما اگر بخواهیم با مخالفین مان هم بجنگیم باید انصاف را رعایت کنیم و تمام جوانب کار را در نظر بگیریم.

(وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ۤأَلَّا تَعْدِلُوا ۖ اَعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ)

سوره مائده (۵): آیه ۸

احمد ابن حنبل معاصر با متوکل عباسی ناصبی‌ترین حاکم در طول این ۱۴۰۰ سال و بی‌حیاتی‌ترین حاکم نسبت به اهل بیت علیهم السلام است. متوکل چندین بار دستور می‌دهد قبر امام حسین علیه السلام را ویران کنند و شخم بزنند کسی با قبر حضرت آشنا نشود و جنایات متعدد دیگری که انجام داد. احمد ابن حنبل در این عصر زندگی می‌کند. تفکرات سنی‌گری دارد برای خودش است ولی این‌که وقتی از او سوال می‌کنند

ما تقول في التفضيل قال في الخلافة أبو بكر وعمر وعثمان»

این را دقت کنید اگر ما به جای احمد ابن حنبل در آن عصر بودیم در این قضایا چه کار می‌کردیم؟ ولی در کنارش چطور شده این روایات از لابلای تاریخ مذاهب اربعه آن هم از قول احمد ابن حنبل به دست ما رسیده است؛ خدا می‌داند!

پرسش:

استادا! ابن تیمیه هم یک مطلبی دارد که در رابطه با حضرت علی از او می‌پرسند می‌گوید که از اهل بیت نیست بعد می‌گوید چرا از اهل بیت است و در آن حرفی نیست.

پاسخ:

بله، می‌گوید اهل بیت فضیلتی ندارند برای علی ابن ابیطالب علیه السلام فضیلتی بالاتر از فضائل ابوبکر و عمر نیست! هر چه درباره علی آمده بالاترش برای ابوبکر و عمر و عثمان آمده است!

شواهد تنزیل هم همین تعبیر را دارد این روایت برای عبدالله ابن عمر است می‌گوید وقتی ما خلفاء را در زمان پیغمبر می‌شمردیم می‌گفتیم ابوبکر، عمر، عثمان مردی که کنیه‌اش ابو عبدالرحمن بود به عبدالله ابن عمر گفت:

«فعلی؟»

پس علی چه؟

«قال ابن عمر ويحك علي من أهل البيت لا يقاس بهم»

وای بر تو علی از اهل بیته است که قابل مقایسه نیستز

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل - الحاکم الحسکاني - ج ۲ ص ۲۷۱

« علي مع رسول الله في درجته إن الله يقول: (و الذين آمنوا و اتبعتهم ذريتهم) ففاطمة مع رسول الله في درجته

و علي معهما»

پرسش:

حسکانی چقدر اعتبار دارد؟

پاسخ:

حسکانی مورد تأییدشان است، ولی به خاطر روایاتی که در فضائل اهل بیت علیهم السلام آورده یک مقداری با او بد هستند.

در کتاب تاریخ مدینه دمشق آمده است:

«يا خير الناس بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم قال له رأيت أبا بكر وعمر قال لا قال لو قلت إني رأيتهما

لحددتك ثم قال خير هذه الأمة بعد نبيا أبو بكر وعمر نحن أهل بيت لا يقاس بنا أحد»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، ج ۳۰، ص ۳۶۱، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة: ۵۷۱، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقيق:

محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري

یک روایتی را آقایان نقل می کنند که:

«لو أتيت علي رجل يفضلني علي أبي بكر وعمر لجلدته»

هر کس من را بر ابی بکر تفضیل بدهد به او حد می زنم.

ابن عساکر الدمشقی الشافعی، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفای ۵۷۱هـ)، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، ج ۴، ص ۳۶۵، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵

«قال علي لا أجد أحدا يفضلني علي أبي بكر وعمر إلا جلدته حد المفتري»

ابن عساکر الدمشقی الشافعی، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفای ۵۷۱هـ)، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، ج ۳، ص ۳۸۳، تحقيق: شییری، علی، ناشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۱۵هـ.

ان شاء الله در یک جلسه درباره این موضوع مفصل بحث می کنم فکر می کنم در سایت حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) هم این مطلب را مفصل جواب دادیم.

یک زمانی شبکه های وهابی در سایت های مختلف این را غلّم کرده بودند که خود علی ابن ابیطالب علیه السلام می گوید من نه تنها افضل نیستم هر کس بگوید من از ابوبکر افضل هستم

«جلدته حد المفتري»

من به او حد مفتری می‌زنم.

این موضوع را خیلی مفصل جواب دادیم. من اگر بخواهم این‌جا مطرح کنم شاید دو سه روز وقت نیاز داشته باشد.

این‌جا می‌گویند:

« نحن أهل بیت لا یقاس بنا أحد »

روایاتی را که آقایان نقل کرده‌اند این‌ها هم بد نیست.

ابن عساکر از عبدالله بن عباس نقل می‌کند:

« عن علي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من لم يقل علي خير الناس فقد كفر »

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، ج ۴۲، ص ۳۷۲، اسم المؤلف: أبي القاسم علي

بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة: ۵۷۱، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقيق:

محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري

از حذیفه صاحب سرّ رسول الله نقل شده است:

«علي خير البشر من أبي فقد كفر»

تاریخ مدینه دمشق ج ۴۲ ص ۳۷۲

از شریک ابن عبدالله

«يقول علي خير البشر من أبي فقد كفر»

کنزل العمال در جلد ۱۱، ص ۶۲۵ هم از عایشه نقل می‌کند.

پرسش:

آیا ممکن است در مفهومش اشکال کنند بگویند خیر البشر یعنی که از پیامبر هم افضل است.

پاسخ:

یک قاعده‌ای دارند تمام روایاتی که از لسان مبارک پیغمبر صلی الله علیه وآله آمده قائل داخل در مقول نیست این قاعده کلی‌شان است.

در مناقب ابن مردویه است.

«سئلت عائشة عن علي عليه السلام؟ فقالت: ذاك من خير البرية! ولا يشك فيه إلا كافر».

مناقب علي بن أبي طالب (ع) وما نزل من القرآن في علي (ع) - أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهاني -

ص ۱۱۰

این حدیث در کتاب مسند احمد ابن حنبل آمده است:

«اسْتَأْذَنَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَمِعَ صَوْتَ عَائِشَةَ عَالِيًا وَهِيَ تَقُولُ»

ابوبکر وارد خانه پیغمبر شد دید عایشه با صدای بلند می‌گوید:

«وَاللَّهِ لَقَدْ عَرَفْتُ»

-والله لفظ جلاله قسم لقد دال بر واقعیت و تحقیق است -

« لَقَدْ عَرَفْتُ أَنْ عَلِيًّا أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ أَبِي وَمِثِّي مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا»

...سه مرتبه عايشه اين را گفت

« فَاسْتَأْذَنَ أَبُو بَكْرٍ فَدَخَلَ فَأَهْوَى إِلَيْهَا »

به دخترش حمله کرد

«فقال يا بنت فلانه»

چرا بنت فلانه گفته خودش بهتر می دانسته است!-

«إلا أَسْمَعُكَ تَرْفَعِينَ صَوْتَكِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

نشوم که بعد از این صدايت را بر صدای پيغمبر بلند کردی.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۴، ص ۱۶۹، تحقيق حمزه احمد حسين، روايت ۱۸۳۳۳

در سنن نسائي آمده است:

«سألت بن عمر وهو في مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم عن علي وعثمان فقال أما علي فلا تسألني عنه

وانظر إلى منزله من رسول الله صلى الله عليه وسلم ليس في المسجد بيت غير بيته »

...تنها خانه‌ای که درش به مسجد باز می شود خانه علی ابن ابیطالب است.

السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۳۸، اسم المؤلف: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي الوفاة: ۳۰۳ ، دار النشر :

دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د.عبد الغفار سليمان البنداري ، سيد

كسروي حسن

« وسد الأبواب إلا باب علي »

الإصابة في تمييز الصحابة، ج ٤، ص ٥٦٨، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي

الوفاة: ٨٥٢، دار النشر: دار الجيل - بيروت - ١٤١٢ - ١٩٩٢، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي

«وأما عثمان فإنه أذنب ذنبا عظيما يوم التقى الجمعان فعفى الله عنه وغفر له وأذنب فيكم ذنبا دون فقتلتموه»

سنن النسائي الكبرى ج ٥ ص ١٣٨

در روایت بعدی می گوید:

«لا تسأل عن علي ولكن انظر إلى بيته من بيوت النبي صلى الله عليه وسلم قال فإني أبغضه قال أبغضك الله»

...راوی می گوید من بغض علی را دارم عبدالله ابن عمر گفت «ابغضك الله» خدا هم بغض تو را داشته باشد.

اینها نمونه‌هایی است که عرض شد هیثمی هم در جلد ٩ این روایت را می آورد.

اینها بحث‌هایی است که هر چه بوده ما این‌جا آوردیم، بالاترینش سلسله احادیث صحیحہ البانی، جلد ٦،

صفحه ٩٤٦ است.

در هر صورت مطلبی که آقایان در رابطه با بحث افضلیت خلفاء بر طبق تصدی خلافت دارند داستانش این بود

که خدمت‌تان عرض کردم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته